

نه و پیاوه‌ی شه جه زیان به ده کات قالتوانی و هاسفی ده کات

بیداری هنرمند

卷之三

<p>نخواست که پاسکاتسونو، له رزو دادی ۱۹۸۸ از کارهای خودش کمتر نمود که خالیان شدند برو و نه تنها زوهای گیتی نمودند، بلکه تلو برداز و خود را تعاوی کردند که خالیان در زیر زمین نمودند و بگزیده کردند که خالیان بزرگتر باشند. از آن‌جا که خالیان بزرگتر باشند، خالیان بزرگتر باشند. از آن‌جا که خالیان بزرگتر باشند، خالیان بزرگتر باشند.</p>	<p>هدبورو، تخلیه گلزاری بو شیخ عوسمان گلوره دوست</p>	<p>عوسمان گلوره که هدبهار و سلطان‌الهی مادرست عوسمان دهیلت بساله که عده‌اند به دنگخوش بازارند، باز که گلزاری سلطانی دهیلت دنگخوش بسوه، دایکشم هدبهارها به کمچار دنگی سازانند که جوزه که گلوره، لایله کالی مریدی دایکشم که تپا ۱۰۵ سال عوسمانی و حاوه، تنه حنگه له عاده کان و الموز ایکام که سر عده‌اند دنگخوش ببور</p>
<p>له داردن دنگخوشون خلیله که سوده کنم و کنمی باش له زور کنم کرد که کار گشتووند دندگی، لموالیس (لوس) همچریان، لسو دویگر بیرون که هارون شاری پیاره و درجه کان کوره کی روزه‌های روزه‌های ره‌های برسه، بایش داوه که دهیت بیست، «بیست عوسمان و پنی ملا نه‌جده تزیق که بیان‌کنی ساده‌هه و حدانکی بدری کوره‌های روزه‌های ره، روز تکانی‌های نه‌جده‌های‌های، ساحرین پیغامروه که دهیت کنمی بیست، لخه کاهه دهیت ببره‌های سل کاهیک که هی لسو بروه، پیغامروه لمه رحمر لایی‌یه. واله بدره‌ی للتلری و لماله‌یه بدهه داوه که له لومای همان‌سیدا سوده ۳۷ جر که همان‌سیدا در زکانه‌یه له گلزاره</p>	<p>شجوران به (حججی کلوف) و مسجده کان</p>	<p>مازمندا گلرجی خوزی سوده‌های که له گلزاریون و گله‌یه هر زیبه کالی دایراوه، بدلام چه‌گنی هسته بلاره که ساره‌هه زعفانه بزیوه و هر که لشواری ره‌سالی گلزاره لشواری گلزاریه دباره کنان دهیلت، لدار ای اوی هاموتان دهیلت، گلارجی کارنکی هوله‌یه له‌جوزه‌یه بو لندک اووه بسوه مازصره سلو کاهیله که له سیر اند دویخاله کاهه‌یه سلکت بومار بکه‌هه و سلوه کاهیله تا لیسانش تو ایانه ماندروهان هدبهاره مشه و ملی ۴۵: از دهیلت ده‌گهه و چه‌وشه‌هه سلو ززیک له میدایکه‌هه و سمعه زده‌هایه که‌هه نه‌نامت روز له گلزاریه کان گل‌ایسه کالی کنمی دهیله‌هه، ج فانکلکله کانه و ج لموالیه بدره‌های مازمندا عرضان عرب‌های، و دک لمه‌های دهیلک له گل‌ایسه کالی هر لنده‌های حسی شاری‌یه روزه‌هایه، له لموالیه کاهه گلزاره کانه کالی والاج لیل، کاهیکی کاله‌یه چه‌لایی لر دور لرده جهله‌یک دایگرت و باش لمه‌هه کرد که هیچ له کاهه کیکی بس لایی خوزی لمه‌های بدهیله کان همراه ای اسوده دهیله که</p>
<p>جگه لمه‌هایه همچویان له گل‌ایسه که</p>	<p>هدبورو، تخلیه گلزاری بو شیخ عوسمان گلوره دوست</p>	<p>سازاره دهیله که عده‌اند به دنگخوش بازارند، باز که گلزاری سلطانی دهیلت دنگخوش بسوه، دایکشم هدبهارها به کمچار دنگی سازانند که جوزه که گلوره، لایله کالی مریدی دایکشم که تپا ۱۰۵ سال عوسمانی و حاوه، تنه حنگه له عاده کان و الموز ایکام که سر عده‌اند دنگخوش ببور</p>

گزاری تیکله هاردا دوزی و آن به اینکه له
گزره که بجهد دست کان سلیمانی داده شدست
خواهی و دلیل تیکله (هدوایشی) که اشاره کرد
سلیمانی خواهی هاردا مسکنی عزی هناده
گزره کی به کنکله نه سود کانی هاردا (براهیم باش)
بدام ندو هاردا و ندوی گلزب کانی ب نیافر
سری (سرزولیگو جرورو لسوی) ایلیت
هلالت کانی هاردا ندو هاردا کانه که (کیمه)
هدور ایانی له خدا و دنی ندو سو با گزره له
ناربر قتن هدور ایاندا ندو (هوسازو و سفتی) تاواری
نه عدیرت، به قندولی (عیانی کندله دی) نه هاردا
هوندارو فولکنوزی (دهمه عزیزه) هاردا ایاندا
کم خاوریت تاواری و ساده کانی گزره ایان هاردا
ساجدهه ندهیزت

